

پردیس احمدیه؛ از فیلم «سرکوب» و سایر فعالیت‌های سینمایی اش به «صبا» می‌گوید

نسل ما با گذشته فرق کرده است!

فاطمه رستمی

گفت و گو

پردیس احمدیه از آن دست بازیگران جوانیست که با وجود چندین سال سابقه کاری همچنان گزیده کار پیش می‌رود و جز یک تجربه تلویزیونی، اصولاً بازیگر سینماست و تا امروز با کارگردان‌های مهمی همکاری کرده و در فیلم‌های تاثیرگذاری حضور داشته است. سینمای ایران به شدت این روزها به معرفی چهره‌های جوان برای نقش اول فیلم‌ها نیازمند است و احتیاج به بازیگرانی دارد که بتوانند جایگزین چهره‌های قدیمی‌تر شوند و به جای تکرار برخی از بازیگران با وجود سن بالا در نقش دختران و پسران جوان، روی پرده سینما ظاهر شوند. پردیس احمدیه با فیلم «سرکوب» روی پرده سینماست و با او در مورد تجربه همکاری با رضا گوران و سایر فعالیت‌هایش گفت و گویی داشتیم.

تصمیم‌گیری و نگاه پروانه را قبول دارند و به خودشان نزدیک می‌بینند؟ نسل ما و نسلی که شخصیت پروانه در آن شکل گرفته جسور است و با توجه به زندگی در جامعه و دیدن دخترها و پسرهای این نسل متوجه شده‌ام که نسبت به دهه ۵۰ و ۶۰ نسل ما خیلی مستقل‌تر عمل می‌کنند و اگر چیزی باب میلش نباشد کوله را برمی‌دارد و به هر جایی می‌خواهد می‌رود. پروانه هم همین کار را می‌کند و تصمیم می‌گیرد به خارج از کشور برود و برایش مهم نیست دوست پسرش او را همراهی می‌کند یا نه. او به هر حال کاری را که فکر می‌کند درست است انجام می‌دهد! خواهران بزرگتر پروانه هنوز درگیر عشق‌های اشتباه و تصمیم‌گیری‌هایی از روی ترس هستند. نسل ما با گذشته فرق کرده و فکر می‌کنم این تفاوت در فیلم مشهود است.

ما می‌دانیم در بین نمایش‌هایی که رضا گوران در تئاتر روی صحنه برده است وجه زنانگی بارز و پررنگ است و اصولاً کاراکترهای زن را خیلی خوب پرداخت می‌کند. این نکته در فیلم «سرکوب» هم به چشم می‌خورد. شما به عنوان بازیگر این فیلم نسبت به وجه زنانه کاراکترها چه احساسی دارید؟

رضا گوران خیلی بر کاراکترهای زن فیلم مسلط بود و دقیقاً می‌دانست باید چه کار کند. شاید شناخت رضا گوران نسبت به زن‌ها از روی جهان بینی شخصی او باشد. کارگردان در هر صورت باید شخصیت‌شناسی را خوب بلد باشد تا بتواند کاراکترهای این چنینی را طراحی کند و در نقطه درستی بازی مورد نظرش را از شخصیت دریافت کند. اصولاً بازیگرها در طی کار با کارگردان تعامل دارند و در رسیدن به نقش از او کمک می‌گیرند. کاراکتر پروانه خیلی پیچیده و سخت بود و وجوه شخصیتی گوناگونی در او می‌بینیم. او گاهی مهربان است، گاهی پرخاشگری می‌کند و مستقل است و من تلاش می‌کردم با تمام این وجوه در نهایت به چیزی برسیم که کارگردان می‌خواهد. شخصیت پروانه آنقدر لایه‌های مختلفی داشت که من فکر می‌کردم جز کسی که این فیلمنامه را نوشته فرد دیگری نمی‌تواند بازیگر این نقش را در رسیدن به هدف کمک کند. من صفر تا صد را به رضا گوران سپردم و سعی کردم به آن چه او از پروانه در ذهن داشت نزدیک شوم.

در فیلم سینمایی «سرکوب» ما زنانی را می‌بینیم که مشکلات زیادی دارند و حتماً این مشکلات ریشه‌هایی در گذشته آدم‌ها دارد. نقش جامعه و مشکلات خانوادگی و شخصی را در حال امروز این کاراکترها چطور ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کند کدام عامل بیشتر در پدید آمدن چنین روحیه‌ای در این خانواده اثرگذار بوده است؛ جامعه یا محیط خانواده؟

متأسفانه در وضعیت این خانواده هم خودشان دخیل بوده‌اند هم جامعه. من با بازی در فیلم «سرکوب» قدر خانواده‌ام را بیشتر دانستم. ما نمی‌توانیم جامعه را دچار تحول کنیم پس حداقل خانواده‌های خودمان را اصلاح کنیم. فکر می‌کنم پیامی که این فیلم دارد برای خانواده‌هاست و نشان می‌دهد چقدر خانواده خوب مهم است و مسیر زندگی افراد را تغییر می‌دهد. ما می‌توانیم با وجود جامعه مشکل‌دار خانواده خوب خودمان را حفظ کنیم. پدر و مادرها و افرادی که می‌خواهند خانواده‌ای تشکیل بدهند باید به همین نکات ریز توجه کنند تا آینده خانوادگی بهتری داشته باشند.

شما تنها یک بار با سریال «یادآوری» به کارگردانی حجت قاسم‌زاده اصل در تلویزیون حضور داشتید. آیا برنامه‌ای برای بازی در سریال‌ها ندارید و قرار است تنها بازیگر سینما باشید؟

من سریال «یادآوری» را به دلیل ارادتی که به قاسم‌زاده اصل داشتم بازی کردم. حتی در سریال‌های نمایش خانگی هم حضور نداشتم‌ام و نمی‌دانم بعدها نمی‌دانم شاید در این سریال‌ها بازی کردم. پیشنهادات زیادی برای بازی در سریال‌های تلویزیونی داشتم‌ام، اما قبول نکردم. در سینما هم ترجیح می‌دهم گزیده کار باشم. من با تلویزیون اصلاً مشکلی ندارم و تنها مسئله این است که دوست ندارم سریال بازی کنم.

یکی از نکاتی که مدام در سینمای ما مطرح می‌شود این است که باید بستر را برای ورود چهره‌های جدید باز کنیم و با این کار سینماگران هم در انتخاب بازیگران حق انتخاب بیشتری به دست بیاورند. شما به عنوان بازیگری جوان چقدر بستر کار و بروز استعداد را برای خودتان فراهم می‌بینید؟

من خیلی وقت است دوست دارم در مورد این موضوع صحبت کنم و تا امروز این کار را نکرده‌ام. من از ۱۵-۱۶ سالگی بازی می‌کنم و چون خودم مدام از این کار فاصله می‌گرفتم فعالیت منقطع بوده است. آخرین باری که از بازیگری فاصله گرفتم، بعد از فیلم فحگی فریدون جیرانی بود و بعد از آن فیلم یک سال و نیم کار نکردم. بعد از آن باز هم بستر کاری برای من مهیا بود و سه کار در یک سال انجام دادم و پیشنهادات خیلی زیادی داشتم، اما به این دلیل که گزیده کارم همکاری با مرتضی فرشیاف، رضا گوران و رضا دورمشیان را پذیرفتم. به طور کل آن چه در مورد نسل جدید بازیگران ما زیاد شنیده می‌شود این است که برای ورود به سینما مشکلات زیادی دارند. تعداد زیادی از علاقه‌مندان در دانشگاه‌ها یا موسسات درس بازیگری می‌خوانند و واقعا می‌خواهند به این حرفه وارد شوند. این افراد گاهی برای به کار گرفته شدن پیشنهاداتی دریافت می‌کنند که خیلی غیرانسانی است و من اجازه ندارم به عنوان عضو کوچکی از سینما این مسئله را زیاد توضیح بدهم، اما این افراد هم سن و سال من هستند و واقعا جای چنین قشری در سینمای کشور خالی است. خیلی از علاقه‌مندان در حال تحصیل واقعا استعداد دارند و باید شرایط کار را برایشان فراهم کرد. در سن و سال من مگر چند بازیگر در سینمای کشور وجود دارد؟ چرا چهره جدید به این سیستم اضافه نمی‌شود؟ فیلمسازها برای پروژه‌های مختلف فراخوان می‌دهند، اما در نهایت به ما زنگ می‌زنند که قبلاً کار کرده ایم! انگار اطمینان وجود ندارد و نمی‌خواهند کسانی که پشت در مانده‌اند را وارد این کار کنند و به نظرم سخت‌گیری زیادی وجود دارد. نسل جدید نیاز به حمایت دارد و ورود افراد جدید ضرر ندارد و اتفاقاً باعث می‌شود سینما پربارتر می‌شود و برای یک نقش گزیننده‌های تکراری انتخاب نمی‌کنیم. امروز همه نقش یک‌های ما را افراد ثابت بازی می‌کنند. شاید به نفع من باشد که بازیگر کم داریم و همه نقش‌ها را به خودمان پیشنهاد می‌دهند، اما اگر نگاه کلی‌تری داشته باشیم افراد دیگر هم به هدف شان می‌رسند. فعلاً از شرایط کاری‌ام راضی هستم، اما ترجیح این بوده که سالی یک نقش بازی کنم و فواصلی بین تجربه‌هایم وجود داشته باشد. بازیگر دوست دارد نقش خوب بازی کند و نقش اول برای من اهمیتی ندارد و دوست دارم فیلم‌هایی مثل آثار دورمشیان، گوران و... بازی کنم. این کارها خیلی اخلاق و دل پشت‌شان است و وقتی کاری اخلاقی شکل می‌گیرد به نظرم نتیجه‌اش مطلوب می‌شود و بازیگر هم هیچوقت از تصمیمش پشیمان نمی‌شود.

در فیلم «سرکوب» سه خواهری را می‌بینیم که با پدرشان مشکلات زیادی دارند. فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاده است که این سه دختر چنین کینه‌ای از پدر به دل دارند و چرا حتی با شنیدن خبرهای بد نمی‌توانند واکنش طبیعی نشان بدهند؟

شخصیت پروانه به نظر من از دو خواهر دیگرش قوی‌تر است. نمی‌بینم که او خیلی گریه کند یا کم بیاورد. شاید این ویژگی نسل پروانه باشد که به نظر قوی‌تر هستند. این خواهران خاطرات بدی دارند و اگر خودش آزاری ندیده باشد، در مورد خواهرها و مادرش در رابطه با پدرش چیزهایی دیده که اذیتش می‌کند و نسبت به پدر گارد گرفته‌اند. در این فیلم شخصیت پروانه قوی‌تر از دیگران تصمیم می‌گیرد و در واقع اوست که تعیین می‌کند بماند یا برود و سرنوشتش را تغییر بدهد تا شبیه خواهرانش نشود. پروانه دلسوز مادرش بوده و من جسارت او را خیلی دوست دارم. واقعا خیلی جاها به او حق می‌دهم که این‌طور فکر کند.

امروز جمعیت زیادی از مخاطبان سینما جوانانی از نسل شما و کاراکتر پروانه هستند. فکر می‌کنند کسانی که فیلم «سرکوب» را می‌بینند چقدر

جسارت پروانه را دوست دارم!

